

سوی ایران و از بین بردن رهبران حوثی‌ها است. درست همان شفافیت اهداف و تعهد که در مورد القاعده در پیش گرفته‌شد، برای حوثی‌ها هم ضروری است. اینگونه نیست که بلافاصله پس از پایان جنگ غزه، حوثی‌ها خود به خود از بین بروند. این موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که با استمرار حملات متقابل ایران و اسرائیل، ممکن است وضعیت زنجیره تامین جهانی از این هم مختل‌تر شود.

## تهدید ایران و عقب‌نشینی از عراق و سوریه



رابریت اس. فورد
سفیر پیشین آمریکا در سوریه و پژوهشگر ارشد موسسه خاورمیانه

عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ تأثیر زیادی بر استفاده ایران از نیروهای نیابتی اش در عراق و سوریه برای افزایش فشار بر همسایگانش نخواهد داشت. تعداد کمی از نیروهای آمریکایی که در عراق مستقر هستند بر موضوع مبارزه با تروریسم و آموزش نظامیان عراقی متمرکز هستند. نزدیک بودن این نیروها به شبه‌نظامیان «مقاومت اسلامی» تحت حمایت ایران در عراق، باعث می‌شود که نیروهای آمریکایی به هدف تبدیل شوند و نه به عنوان ابزاری علیه این شبه‌نظامیان. در مواردی حملات انتقامی شدید آمریکایی‌ها باعث شده‌است تا این شبه‌نظامیان حملات‌شان را علیه نیروهای آمریکایی متوقف کنند، اما این توقف‌ها همواره موقتی بوده‌اند. زمانی که دولت عراق اراده کند تا فشار وارد کند، این گروه‌ها خویشتن‌داری به خرج می‌دهند. این موضوع را اخیراً با فشار محمد شیاع سودانی، نخست‌وزیر عراق، مشاهده کردیم که از گروه‌های عراقی خواست در دوران مذاکره با واشنگتن برای عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی از عراق عملیات خود را متوقف کنند. از آنجا که سودانی و بسیاری از رهبران عراقی خواستار روابط دوجانبه پایدار با ایالات متحده آمریکا هستند، بهترین مسیر پیش رو این است که گروه‌های شبه‌نظامی به لحاظ سیاسی دچار تفرقه و منزوی شوند، کاری که در ماه‌های اخیر انجام شده است. تفرقه میان گروه‌های شبه‌نظامی عراقی و همچنین روابط گهگاه تنش‌آلود آنها با بغداد و حتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، باعث می‌شود که جایگاه ایران در عراق تضعیف شود.

تهدید عملیات تلافی‌جویانه از سوی اسرائیل در برابر حملات گروه‌های عراقی به اسرائیل هم باعث خواهد شد تا هم گروه‌های شبه‌نظامی و هم رهبران سیاسی عراق تمایل‌شان را به نبرد با اسرائیل از دست بدهند. بعد از تغییر مأموریت نیروهای آمریکایی به عملیات دوجانبه امدادی، آمریکایی‌ها همچنان به‌عنوان آخرین گزینه توانمندی حمله به نیروهای شبه‌نظامی در داخل عراق را دارند، هر چند این حملات نمی‌تواند تهدید را کاملاً از بین ببرد. شبه‌نظامیان عراقی، یک مسئله سیاسی هستند و نه یک مسئله نظامی. راهکار بهتر برای مقابله با نفوذ و حضور ایران در عراق، ملی‌گرایی عراقی است و نه حملات اسرائیل با آمریکا.

اگر آمریکا پس از فاز دوم عقب‌نشینی نیروها در سال ۲۰۲۶ دسترسی به هاب لجستیک در اقلیم کردستان عراق را از دست بدهد، می‌توان تصور کرد که حضور نیروهای آمریکا در سوریه نیز به پایان برسد. نیروهای آمریکایی که در شرق سوریه با تمرکز بر عملیات ضدتروریستی حضور دارند، نمی‌توانند جلوی ایران را برای اعزام شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران به سوریه بگیرند. درست مانند عراق، در سوریه نیز نیروهای آمریکایی بیشتر هدفی برای حملات شبه‌نظامیان بلقی می‌شوند و عملیات‌گاه ویی‌گاه انتقامی نیز فقط به عنوان مسکن موقت عمل می‌کند و مسئله‌ا کاملاً حل نمی‌کند. بر خلاف عراق، دولت ضعیف بشار اسد در سوریه نمی‌تواند فشار موثری بر گروه‌های شبه‌نظامی تحت حمایت ایران در سوریه وارد کند. این گروه‌ها به تهدید اسرائیل ادامه می‌دهند و حتی ممکن است از طریق قاچاق سلاح باعث بی‌ثباتی اردن هم بشوند. اسرائیل با حمایت آمریکا باید با دقت بسیار تحرکات شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران در سوریه را دنبال کند. آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها باید خطوط قرمز ایران را شناسایی کنند و آمریکا باید به اسرائیل هشدار بدهد تا با اقدام‌های ماجراجویانه و عبور از خطوط قرمز ایران، باعث ایجاد یک جنگ گسترده منطقه‌ای نشود.

## کنار گذاشتن توهم در مورد قدرت ایران و اسرائیل



پژوهشگر ارشد موسسه خاورمیانه نظریه‌پردازان واقع‌گرای روابط خارجی

اینگونه استدلال می‌کنند که منازعه برای قدرت زمینه اصلی سیاست بین‌المللی است اما این فرضیه که همه کشورها به‌دنبال به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود نسبت به دیگران هستند، کمک زیادی به توضیح تحولات جاری در خاورمیانه، جایی که توهم قدرت فراگیر شده‌است، نخواهد کرد. برای اندیشیدن به نقش مناسب ایالات متحده در منطقه‌ای که خود را برای جنگ احتمالی میان ایران و اسرائیل آماده می‌کند، ضروری است ما توهم قدرتی را که دو کشور دارند درک کنیم و به این فکر کنیم که چگونه آمریکا می‌تواند به شفاف‌سازی قدرت واقعی و پویایی‌ها کمک کند و دیپلماسی را تشویق کند. تا پیش از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ باورهای غلط زیادی در مورد قدرت ایران در جریان بود. تمامی منطقه به غلط با این اندیشه درگیر بودند که ایران با استفاده از شبه‌نظامیانی که در کشورهای ورشکسته مانند لبنان،

سوریه، عراق و یمن منتشر کرده‌است به دنبال تبدیل شدن به قدرت مسلط و هژمون منطقه است. ایران خودش نیز باور داشت و به توده‌های تحت محاصره اش و هر کسی که گوش شنیدن داشت، می‌گفت که دیواری از بازدارندگی در مقابل تجاوز احتمالی اسرائیل و آمریکا کشیده است. اسرائیل هم تلقی‌های غلط در مورد پویایی‌های قدرتش ایجاد کرده‌بود. فرض این بود که اسرائیل می‌تواند با ایجاد پیوندهایی با کشورهای خلیج‌فارس از طریق توافق‌های ابراهیم اقتصاد و امنیت آینده خود را تضمین کند و رویایش این بود که تمامی آرمان‌های فلسطینیانی که تحت سلطه‌اش زندگی می‌کنند، خود به خود از بین بروند. اسرائیل و شرکای عریش باور داشتند که فلسطینیان قدرت سیاسی کافی برای ایجاد مانع در مقابل این نقشه‌ها را ندارند.

با گذشت یک سال از حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل، به تصورات ایران و اسرائیل در مورد قدرت‌شان نور تابانده شده‌است. تحولات یک سال گذشته نشان داد که فرمول ایران برای قدرت، سست‌تر و غیر پایدارتر از آن چیزی است که تصور می‌شد. در عین حال مشخص شد که ایده استقلال فلسطینیان بسیار قوی‌تر از آن چیزی بود که کشورهای عربی و اسرائیل پیشتر تصور می‌کردند.

شفاف شدن وضعیت قدرت یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. در بخش بزرگی از یک سال گذشته، تصور می‌شد کاخی که ایران از قدرت خود ساخته‌است کاملاً واقعی است. همه شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران، از جمله حزب‌الله، فعال شدند تا نشان بدهند که اسرائیل در محاصره کامل دشمنانش قرار دارد. این تصور تا زمانی ادامه یافت که حزب‌الله تا مرز حمایت نظامی برای حماس پیش رفت اما زمانی که این جنگ فرسایشی به یک منازعه تمام‌عیار تبدیل شد و بخش‌هایی از حزب‌الله از کار افتاد، مشخص شد که تصور ایران از قدرتش فراتر از واقعیت بود. قدرت اسرائیل هم بسیار پرآکنده است، اما تصورات در مورد آن هنوز به واقعیت نزدیک نشده‌اند. حتی با تضعیف شدید حماس و کشته شدن یحیی سنوار، رهبر آن در نبرد، اسرائیل دستخوش نبرد موجودیتی در مقابل ملی‌گرایی فلسطینی است که اگر حل و فصل نشود، هیچ‌گاه اجازه امنیت و رونق به آن خواهد داد. از جمله محدودیت‌های قدرت اسرائیل این است که ناتوانی در حل و فصل مسئله فلسطین باعث می‌شود که اسرائیل نتواند قدرت خود را از طریق توسعه توافق‌های ابراهیم به عربستان سعودی، چند برابر کند.

این سوئفت‌هایم‌ها در مورد قدرت چه کمکی به ما می‌کند تا بتوانیم نقش سازنده آمریکا را در مقابله با تشدید تنش در خاورمیانه درک کنیم؟ تقویت این واقعیت که پویایی‌های قدرت هم برای اسرائیل و هم برای ایران تغییر کرده‌است باید برای ترغیب کردن هر دو طرف برای مسیرهای دیپلماتیک مجزا، اما مرتبط استفاده شود. ایالات متحده آمریکا ابتدا نتوانست موافقت اسرائیل را برای حمله نکردن به تاسیسات اتمی یا انرژی ایران کسب کند. آمریکا باید برای اسرائیل روشن کند که تنها راهی که اسرائیل می‌تواند آینده‌اش را تضمین کند و استمرار حمایت آمریکا را داشته‌باشد، این است که به راهکار دودلتی متعهد باشد. دورنمای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی می‌تواند مشوقی باشد که باعث شود اسرائیل قبول کند داری تلخ قدرت دادن به فلسطینیان در غزه و کرانه‌باختری را بخورد.

در مورد ایران هم ایالات متحده باید به دنبال این باشد که فروکش کردن منازعه، به‌رغم مخالفت احتمالی اسرائیل، بار دیگر دیپلماسی را احیا کند. این تنها در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که زد و خورد ایران و اسرائیل کوتاه باقی بماند و طولانی نشود. ایران با توجه به مشاهده ضعف‌های شبه‌نظامیان تحت حمایتش، احتمالاً دیپلماسی را تنها مسیر ایجاد امنیت برای حکومت و ملتش خواهد دانست. همین حالا هم می‌توان تمایل ایران را به دیپلماسی با تقویت تلاش‌هایش برای بهبود روابط با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس، مشاهده کرد اما اگر ایرانیان احساس کنند که آمریکا می‌خواهد حمایتش را از اسرائیل بیش از پیش ادامه دهد و تلاش کند تا به صورت دائمی علیه ایران نیروی توازن‌ساز فرامرزى در خاورمیانه ایجاد کند، آنها هم ممکن است بر رویکردشان پافشاری کنند و حتی به دنبال تسلیحات هسته‌ای بروند.

ما در شرایطی قرار گرفته‌ایم که وضعیت جاری نه منافع ایران را تأمین می‌کند، نه منافع اسرائیل و نه منافع ایالات متحده آمریکا. ایران ممکن است که تصور کند می‌تواند وضعیت پیشین را با بازسازی و حزب‌الله را احیا کند، اما بازدارندگی پیش از ۷ اکتبر دیگر احیاپذیر نیست. آمریکا باید مسیر جایگزینی در اختیار ایران قرار دهد. در برابر اسرائیل هم ممکن است تصور کند که می‌تواند با استمرار کوبیدن حماس، حزب‌الله و حتی ایران، آینده بهتری برای خود تضمین کند، اما بدون مسیر مشخص برای حل مسئله فلسطین این ایده هم متوهمانه است. ایالات متحده باید اسرائیل را قانع کند که تنها مسیر رو به جلو، فرآیندی است که در آن راهکار دودولتی تضمین شود و واشنگتن باید حمایت خود را به این فرآیند منوط کند. آمریکا باید با سعودی‌ها همکاری کند تا آنها هم تأکید کنند که تنها راه مشارکت آنها در عادی‌سازی روابط با اسرائیل در قالب توافق‌های ابراهیم از طریق تعهد به تشکیل دولت مستقل فلسطینی عملی می‌شود.

واشنگتن باید درک کند که برهه کنونی بسیار حساس است. در نتیجه باید برای اسرائیل و ایران این ضرب‌المثل را تشریح کند که «قدرت بدون دیپلماسی بی‌ملاحظگی است و دیپلماسی بدون احتمال استفاده از قدرت، بی‌اثر است.»

### ▼ ضرورت دیپلماسی منطقه‌ای و برنامه‌ریزی برای ایران



برایان کاتولیس
پژوهشگر ارشد موسسه خاورمیانه
عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در هفته‌های گذشته به قاهره سفر کرد و با عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر گفت‌وگو کرد. این دیدار بخشی از تور دیپلماتیک وزیر خارجه ایران در منطقه پیش از حمله پیش‌بینی شده اسرائیل بود. از جمله مقاصد اصلی سفر وزیر خارجه ایران می‌توان به اردن، لبنان، سوریه، عربستان سعودی، قطر، عراق، عمان و بحرین اشاره کرد. کشورهای عربی دقیقاً مشابه ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در مورد وضعیت جاری منطقه فکر نمی‌کنند. ایران توانست در منازعه جاری خودش با اسرائیل از کشورهای جنوب خلیج‌فارس یک موضع بی‌طرفی دریافت کند، اما به نظر می‌رسد که از نظر تهران این کافی نبود و خواهان موضع‌گیری قوی‌تر است. ایران این کشورها را تهدید کرده‌است که اگر آسمان خودشان را برای حمله به ایران در اختیار اسرائیل قرار دهند، هدف حملات انتقامی ایران قرار می‌گیرند.

تلاش‌های دیپلماتیک آمریکا برای رقابت در این فضا در چه وضعیتی قرار دارد؟ اگر سفرهای دیپلماتیک چندباره مقام‌های ارشد دولت برای کنترل بحران را در نظر نگیریم، می‌توان گفت که اساساً چیزی از تلاش دیپلماتیک آمریکا نمی‌بینیم. دستاورد آمریکا برای شکل دادن به محاسبات و اقدامات کشورهای کلیدی خاورمیانه از زمان آغاز جنگ غزه تاکنون، اگر نگوییم هیچ، بسیار ناچیز بود. تحرکات امنیتی و نظامی آمریکا برای مواجعه با تهدیدهای ایران و نیروهای نیابتی‌اش مهم، اما ناکافی بود. آنچه غیبت آن احساس می‌شود استفاده از این تحرکات در قالب زمینه استراتژیک است. مشکل فقط این نیست که استراتژی آمریکا در خاورمیانه بیش از اندازه نظامی شده‌است؛ مشکلی که در دو دهه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیار تشدید شده‌است. بزرگ‌ترین ضعف سیاست آمریکا این است که اقداماتش فقط در چار‌چوب اقدام‌های تاکتیکی در فقدان یک استراتژی روشن در قبال ایران با مشارکت شرکای منطقه‌ای آمریکا است. به همین خاطر گفت‌وگو در مورد راهکارهای احتمالی دیپلماتیک برای اینکه جلوی حملات بیشتر اسرائیل علیه ایران و واکنش انتقامی ایران گرفته‌شود، ضروری می‌شود اما در وضعیت کنونی منطقه تکیه بیش از اندازه روی موفقیت دیپلماسی در فقدان سیاست‌های تکمیلی، ممکن است به نظر زیاد از حد آکادمیک و رویایی به نظر برسد. با توجه به توازن منافع و قوای دو طرف اصلی نبرد، به نظر می‌رسد که ایران و اسرائیل برای یک دور دیگر رویارویی آماده می‌شوند و دیپلماسی صرف توانایی چندانی در تغییر دادن این نتیجه ندارد. با این حال دیپلماسی همچنان یک عنصر بسیار مهم از واکنش چندوجهی ضروری خواهد بود.

رویکرد منطقه‌ای عملگرا از سوی آمریکا باید شامل دو گام اساسی باشد. نخست اینکه ایالات متحده باید به وزارت خارجه اختیار بیشتر بدهد تا دیپلماسی منطقه‌ای‌اش را در مورد ایران ارتقا دهد. خیلی نمی‌توان تشخیص داد وزارت خارجه در مورد ایران چه کار می‌کند، چراکه به نظر می‌رسد بخش اعظم اقدامات در پنتاگون، کاخ سفید و آژانس مرکزی اطلاعات (CIA) متمرکز شده‌است. معنایش این نیست که کارشناسان بخش ایران در وزارت خارجه بیکار نشسته‌اند، بلکه معنایش این است که مدت‌هاست خبری از رویکرد آمریکا برای همکاری با شرکای منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه بزرگ نیست. نباید فراموش کرد که اقدام بزرگ دیپلماتیک پیشین آمریکا در مورد ایران هم که مربوط به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بود کاملاً شرکای منطقه‌ای را نادیده گرفت و در قالب سازوکار بین‌المللی گروه ۵+۱ صورت گرفت. نه‌فقط در مورد اسرائیل و ایران، بلکه اساساً آمریکا رویکرد دیپلماتیک مشخصی برای هماهنگی شرکای خاورمیانه‌ای نداشت.

قابل درک بود که تمرکز تلاش‌های دولت بایدن در یک سال گذشته متمرکز بر تلاش برای تعدیل کردن واکنش اسرائیل و اجتناب از جنگ منطقه‌ای بود اما آمریکا اقدام چندانی در جهت آماده‌سازی شرایط برای دور بعدی درگیری‌ها نکرد. گام اول، یعنی دست دراز کردن به سمت شرکای منطقه‌ای آمریکا، از جمله کشورهای عربی که روابط نزدیک نظامی با آمریکا دارند و گفت‌وگو در مورد واکنش دیپلماتیک مناسب به دور بعدی رویارویی احتمالی میان ایران و اسرائیل، اقدامی است که باید فوری انجام شود.

گام دوم اقداماتی است که نیازمند رویکرد چندساله و تعامل عمیق‌تر در خاورمیانه است. آمریکا باید تلاش‌های سیاسی خود برای تقویت دولت‌های آسیب‌پذیر و ضعیف در مقابل فشار و نفوذ ایران را تشدید کند. معنایش این است که در گام نخست سراغ عراق و لبنان برود، که آمریکا در آنها همین حالا هم حضور دیپلماتیک قابل‌قبولی دارد اما این تلاش‌ها باید دیگر نقاطی را نیز که ایران درنور دیده است، مانند سوریه، یمن، سودان و دیگر کشورها در بر بگیرد. در این کشورها وزارت خارجه آمریکا حضور میدانی کمتری دارد. امروز حضور ایران یک تهدید امنیتی برای منطقه است و البته اگر کمک ایران به تهاجم نظامی روسیه به اوکراین را نیز در نظر بگیریم، تهدیدی برای جهان محسوب می‌شود. اما این حضور چالشی سیاسی و دیپلماتیک برای آمریکا است تا خود را در موقعیت بهتری برای مقابله با آن قرار دهد. دیپلمات‌های آمریکایی باید تقویت شوند تا حضور میدانی واشنگتن را به همگان نشان دهند.

### دیپلمات‌ها



## پاسخ به اسرائیل با توجه به نوع حمله

سخنگوی وزارت خارجه ایران تأکید کرد: ما از همه ابزارهای در دسترس برای پاسخ‌دهی قاطع و مؤثر به تجاوز رژیم صهیونیستی استفاده می‌کنیم و قاعدتاً نوع پاسخ ما با توجه به نوع حمله صورت می‌گیرد. به گزارش ایسنا، «اسماعیل بقائی»، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه و در نشست خبری هفتگی خود، پاسخگوی سوالات خبرنگاران داخلی و خارجی بود. بقائی در ابتدای این نشست خبری با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین اتفاقات هفته گذشته، دفاع غیرتعمدانه پدافند هوایی کشور در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی بود، گفت: این دفاع نقطه عطفی در تاریخ سرزمین کشورمان بود. او در همین ارتباط شهادت چهار نفر از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران را که در دفاع از کشور به شهادت رسیدند، تسلیت گفت. بقائی همچنین حمله‌تروریستی در شرق کشور که منجر به شهادت تعدادی از نیروهای نظامی کشور شد را محکوم کرد. سخنگوی وزارت خارجه با اشاره به فرارسیدن روز سازمان ملل متحد و با انتقاد از بی‌عملی این نهاد در برابر جنایت‌های رژیم صهیونیستی گفت: مسئولیت این وضع برعهده حامیان رژیم صهیونیستی و در رأس آن آمریکاست که مانع از هرگونه اقدام عملی از سوی شورای امنیت برای توقف جنایت‌های رژیم صهیونیستی شده است.

بقائی همچنین به شهادت رسیدن خبرنگاران در روزهای گذشته توسط رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و از خبرنگاران حاضر در جلسه مطبوعاتی خود خواست به احترام این خبرنگاران از جای خود بلند شده و یک دقیقه سکوت کنند. او همچنین در ابتدای نشست خود گزارشی از نشست سران بریکس در کارازن روسیه که «سعود پرنشکیان» رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در آن شرکت کرده بود، ارائه کرد. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در بخش دیگری از صحبت‌های خود با ارائه گزارشی از اقدامات وزارت خارجه جهت توقف جنایت‌های رژیم صهیونیستی و بازگشت صلح و ثبات در منطقه و تلاش برای پاسخگوی رژیم صهیونیستی به خاطر جنایت‌هایش گفت: درخواست ایران برای برگزاری نشست اضطراری سازمان کنفرانس اسلامی ارائه شده و پیگیری و هماهنگی این موضوع مراحل نهایی خود را طی می‌کند؛ امیدواریم طی دو هفته آینده این اجلاس برگزار شود. بقائی گفت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران «توقف فوری جنایت در غزه و لبنان، بسیج جامعه جهانی برای آوارگان و تلاش برای پاسخگو کردن رژیم صهیونیستی» را دنبال کرده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مورد طرح جدید مطرح‌شده در ارتباط با آتش‌بس در منطقه گفت: به‌نظم کلمه آتش‌بس در این ارتباط یک کلمه دقیقی نیست و بلکه در اینجا عبارت درست ضرورت توقف نسل‌کشی از سوی رژیم صهیونیستی است که یک‌طرفه در حال انجام است. او با بیان اینکه هدف ما از ابتدا توقف نسل‌کشی رژیم صهیونیستی بوده و از هر ابتکاری در این زمینه استقبال کرده‌ایم، خطاب به خبرنگار پرسش‌کننده گفت: طرف‌هایی که شما در این ارتباط از آن‌ها نام بردید، به‌نظم در این زمینه جدیت ندارند و حضورشان در منطقه نه‌تنها منجر به کاهش تنش در منطقه نشده بلکه باعث افزایش تنش شده است، چنان‌که دیدیم چند روز بعد از حضورشان در منطقه شاهد حمله رژیم صهیونیستی به ایران بودیم، سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به این سوال که آیا پاسخ ایران به حمله نظامی رژیم صهیونیستی، نظامی خواهد بود یا دیپلماتیک؟ گفت: در حوزه دیپلماسی، پیام‌ها همیشه در حال رد و بدل شدن است اما برای همه روشن است ایران از حق خود در پاسخ به رژیم صهیونیستی عدول نخواهد کرد. این هم حقی است که هم مسئولیت دولت ایران است و هم حقی است که طبق حقوق بین‌الملل برای هر کشوری که در برابر تجاوز و استفاده غیرقانونی از زور قرار می‌گیرد، وجود دارد. بقائی گفت: تأکید می‌کنم که موضع ما روشن است و ما از همه ابزارهای در دسترس برای پاسخ‌دادن قاطع و مؤثر به تجاوز رژیم صهیونیستی استفاده می‌کنیم و قاعدتاً نوع پاسخ ما با توجه به نوع حمله صورت می‌گیرد.